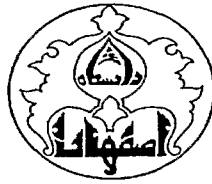


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه اصفهان
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه فلسفه

پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی فلسفه گرایش غرب

مبانی نظری اندیشه‌های سیاسی امام خمینی (ره)

استاد راهنما:
دکتر فتحعلی اکبری

استاد مشاور:
دکتر حسین هرسیج

پژوهشگر:
محسن شیراوند

۱۳۸۷ / ۱۶ / ۴۱۵

آبان ماه ۱۳۸۶

۱۰۱۴۱۸

کلیه حقوق مادی و معنوی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات
و نوآوریهای ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه متعلق
به دانشگاه اصفهان است.



دانشگاه اصفهان
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه فلسفه

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته ی فلسفه گرایش غرب
آقای محسن شیراوند

تحت عنوان

مبانی نظری اندیشه های سیاسی امام خمینی (ره)

در تاریخ ۱۳۸۶/۸/۱۶ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه عالی به تصویب نهایی رسید.

۱- استاد راهنمای پایان نامه آقای دکتر فتحعلی اکبری با مرتبه علمی دانشیار

۲- استاد مشاور پایان نامه آقای دکتر حسین هرسیج با مرتبه علمی دانشیار

۳- استاد داور داخل گروه آقای دکتر مهدی دهباشی با مرتبه علمی استاد

۴- استاد داور خارج گروه آقای دکتر مهدی امامی جمعه با مرتبه علمی استادیار

امضاء

امضاء

امضاء

امضاء

امضای مدیر گروه فلسفه

دکتر مهدی دهباشی

چکیده

مبانی نظری هر اندیشمندی ریشه و اساس اندیشه های او را در حوزه های گوناگون معرفتی ساخته زیرا اندیشه های معرفتی، برآمده از نوع آگاهی و نگرش اندیشمند به جهان و مسائل پیرامون آن است. در بررسی یک اندیشه، مبانی و بنیان هایش که معمولاً خارج از حوزه یا موضوع آن اندیشه قرار می گیرند، به این دلیل که بنیان های اولیه آن اندیشه را تشکیل می دهد دارای اهمیت جدی ای می باشد.

بی شک وقتی صحبت از مبانی یک اندیشه به میان می آید، مقصود هسته اصلی ای که اندیشه ها از آن ساری و جاری هستند مد نظر بوده و این موضوع به خصوص در مورد امام خمینی(ره) که با بینش خاص خویش سیاست مداران معاصر را با چالش جدی مواجه ساخت اهمیت بیشتری پیدا می کند.

حال در این پژوهش، قصد داریم ضمن بر شمردن مهم ترین اندیشه های سیاسی امام خمینی(ره)، مبانی نظری آن اندیشه ها که توجه عمیق به خداانگاری، سنت معصومین(ع) و عقل محوری است را بیشتر بکاویم.

کلید واژه ها: اندیشه سیاسی، خدا انگاری، سنت معصومین(ع)، عقل محوری

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
فصل اول: مبانی نظری اندیشه های سیاسی امام خمینی (ره)	
۱-۱- مبانی معرفت شناسی (شناخت شناسی).....	۱
۲-۱- منابع شناخت یا معرفت.....	۳
۳-۱- عقل منبع یا ابزار.....	۴
فصل دوم: حکومت و مبانی نظری آن از نگاه امام خمینی (ره)	
۱-۲- دلایل عقلانی.....	۸
۲-۲- حکم عقل در نیاز به حکومت.....	۱۲
۳-۲- چگونگی و نحوه اثبات حکومت در قرآن و سنت.....	۱۲
۴-۲- ضرورت تحقق حکومت بر اساس سیره عقلا.....	۱۹
۵-۲- ضرورت وجود حکومت در سیره معصومین (ع).....	۱۹
۶-۲- قیام انبیاء و اولیاء (ع) با تأکید بر ضرورت تشکیل حکومت عدل.....	۲۰
۷-۲- مفهوم سیاست از منظر امام خمینی (ره).....	۲۲
۸-۲- مبانی سیاست از نگاه امام خمینی (ره).....	۲۳
۹-۲- اقسام سیاست.....	۲۳
فصل سوم: عجین بودن دین و سیاست (عدم جدایی دین از سیاست)	
۱-۳- دین.....	۲۵
۲-۳- ابعاد سیاسی دین اسلام.....	۲۶
۳-۳- رابطه دین و سیاست.....	۲۷
۴-۳- دین و احکام الهی.....	۲۸
۵-۳- حکومت مطلوب از نگاه امام خمینی (ره).....	۲۹
۶-۳- نتیجه گیری.....	۳۱
فصل چهارم: مبانی اندیشه «جمهوری اسلامی» از نگاه امام خمینی (ره)	
۱-۴- عرفی نگری در اندیشه جمهوری امام (ره).....	۳۲
۲-۴- واژه دموکراتیک؛ اهانت به اسلام.....	۳۳
۳-۴- جمهوریت از نگاهی دیگر.....	۳۵
فصل پنجم: ولایت فقیه و حدود اختیارات ولی امر	
۱-۵- مبنای عقلی ولایت فقیه.....	۳۹

- ۴۰-۲-۵- مبناى قرآنى ولايت فقيه.....
- ۴۱-۳-۵- مبناى روايى در ولايت فقيه.....
- ۴۴-۴-۵- شئون و محدوده اختيارات ولى فقيه.....
- ۴۵-۵-۵- نظر بنيادين امام خمينى(ره) پيرامون ولايت فقيه.....
- ۴۷-۶-۵- ولايت فقيه و قانون اساسى.....
- ۵۰-۷-۵- پاسخ به يك شبهه.....

فصل ششم: مصلحت نظام

- ۵۴-۱-۶- مصلحت.....
- ۵۴-۲-۶- جاىگاه مصلحت در قرآن و سنت.....
- ۵۶-۳-۶- جاىگاه مصلحت در قاموس انديشه امام خمينى(ره).....
- ۵۸-۴-۶- مرجع تشخيص مصلحت.....
- ۵۹-۵-۶- مجمع تشخيص مصلحت نظام.....
- ۶۰-۶-۶- معيار تشخيص مصلحت.....
- ۶۰-۷-۶- قاعده لاضرار.....
- ۶۲-۸-۶- قاعده مصلحت نظام.....
- ۶۳-۹-۶- اهميت و ضرورت بحث از مصلحت نظام.....

فصل هفتم: مسأله استقلال و مبانى نظرى آن از منظر امام خمينى(ره)

- ۶۷-۱-۷- استقلال.....
- ۶۷-۲-۷- نظريه هاى مختلف درباره استقلال با تأكيد بر عقلانى بودن آن.....
- ۶۹-۳-۷- نظر امام خمينى(ره) درباره استقلال.....
- ۷۱-۴-۷- امام(ره) و «اصل نه شرقى؛ نه غربى» با تأكيد بر سيره قرآنى (وحيانى).....
- ۷۲-۵-۷- خاستگاه استقلال در متون دينى.....

فصل هشتم: مسأله آزادى از منظر امام خمينى(ره)

- ۷۵-۱-۸- مفهوم آزادى.....
- ۷۵-۲-۸- ديدگاههاى دانشمندان.....
- ۷۶-۳-۸- آزادى در آئينه فكر امام خمينى(ره).....
- ۷۸-۴-۸- آزادى در آئينه قرآن كريم.....
- ۸۰-۵-۸- آزادى در آئينه سنت معصومين(ع).....

- ۸-۶- مجوده آزادی از منظر امام خمینی (ره) با تأکید بر عقلانی بودن آن ۸۱
- ۸-۷- آزادی در حکومت ۸۵
- فصل نهم: اهمیت آراء مردمی و مبانی نظری آن از منظر امام خمینی (ره)
- ۹-۱- نقش و جایگاه مردم در حکومت اسلامی ۸۷
- ۹-۱-۱- انواع مشارکت مردمی (مردم ملاک مشروعیت یا ملاک کارآمدی) ۹۰
- ۹-۲- مردم سالاری در اندیشه اسلامی ۹۱
- ۹-۳- مبانی قرآنی؛ تأکیدی بر نقش آراء مردمی ۹۳
- ۹-۴- پیرامون آیات ۹۴
- ۹-۵- قانون اساسی و نقش مردم در حکومت ۹۵
- ۹-۶- تأکید بر نقش مردم؛ پاسخ به یک شبهه ۹۶
- ۹-۷- تنفیذ ولی فقیه؛ مشروعیت رای عامه ۹۷
- ۹-۸- اهداف مشارکت مردم در اندیشه امام خمینی (ره) ۹۷
- ۹-۹- تأیید آراء مردمی در سیره معصومین (ع) ۹۸
- ۹-۱۰- تأکید امام خمینی (ره) بر سیره عقلا ۱۰۰
- ۹-۱۱- میزان بودن مردم (اصالت رأی) ۱۰۱
- ۹-۱۲- نظام اسلامی، پدیده ای با ماهیت بسیط ۱۰۳
- ۹-۱۳- همسانی بیعت با آراء اکثریت در اندیشه امام خمینی (ره) ۱۰۴
- ۹-۱۴- جواب به یک شبهه ۱۰۵
- منابع و مأخذ ۱۰۷

پیشگفتار

امام خمینی(ره) در خاندانی چشم به جهان گشود که پیوسته کوله بار هدایت خلق را بر دوش کشیده و امام (ره) نیز میراث دار آن بزرگان بود، اما در مرتبه ای بسیار والاتر و با رسالت کامل تر.

امام خمینی(ره) در روز بیستم جمادی الثانی ۱۳۲۰ هـ.ق (اول مهر ۱۲۸۱ هـ.ش) مصادف با سالروز میلاد بانوی بزرگ اسلام حضرت فاطمه زهرا (س) در شهرستان خمین دیده به جهان گشود. پدرشان آیت الله مرحوم سید مصطفی موسوی، فرزند علامه جلیل القدر مرحوم سیداحمد موسوی است که عالمی عامل و هدایت گری عدالت خواه و ظلم ستیز بود، به سبب عدالت خواهی و ظلم ستیزی در ذی الحجه سال ۱۳۲۰ هـ.ق در بین راه خمین - اراک مورد سوء قصد اشرار و خوانین تحت حمایت عمال حکومت قرار و بر اثر اصابت چند گلوله در سن چهل و هفت سالگی به شهادت رسید و در این زمان بیش از پنج ماه روح الله نگذاشته بود. (رجبی/۱۳۶۹/ج۳/۱).

عدالت خواهی و ظلم ستیزی دو مشخصه اصلی امام(ره) بود که این حقایق را در همان کودکی لمس و به صورت یکی از اساسی ترین تمهیدات و مقولات اندیشه سیاسی ایشان تبدیل گشت.

تحولات سیاسی دوران معاصر در شکل گیری اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) تأثیری به سزا داشته است. تحولات سیاسی - اجتماعی جهانی، نهضت مشروطیت، کودتای رضاخان، مبارزات شهید مدرس، تأثیر روشن بینی سیاسی مرحوم آیت الله محمد علی شاه آبادی و نیز جنگ های بین الملل اول و دوم جهانی بر ایشان تأثیرات عمیقی نهاده که در نهایت، این زمینه ها و بسیاری امور دیگر همگی در شکل گیری ساختار منسجم اندیشه سیاسی امام (ره) نقش داشته، اما مبنا و خاستگاه اندیشه های سیاسی وی، مبنا و خاستگاهی است کاملاً اصیل و برآمده از سه محور اصلی توحید، سنت و عقل.

امام خمینی(ره) در طول عمر پر برکت خویش دهها اثر در زمینه های مختلف سیاسی، عرفانی و ... نوشته که مهمترین آنها عبارتند از: شرح دعای سحر، شرح جنود عقل و جهل، مصباح الهدایه الی الخلافه والولایه، کشف الاسرار، تحریر الوسیله، بالاخره آن خورشید تابان در تاریخ ۱۳۶۷/۳/۱۴ پس از عمری مجاهدت و مبارزه به دیار باقی شتافت. حال ما در این پژوهش در پی مبانی اندیشه های سیاسی ایشان می باشیم و این به دست نمی آید مگر اینکه اندیشه های سیاسی وی را شناخته و سپس مبانی نظری آن را بکاویم.

کلیات:

۱- شرح و بیان مسأله پژوهشی

مسأله ما در این پژوهش « مبانی نظری » و « اصول بنیادین » اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) است. چه آنکه درک پایه های اصلی تفکر امام خمینی (ره) که نقش بارز در اندیشه سیاسی و در نتیجه در عمل ایشان ایفا کرده است، برای ما چندان روشن نیست. از این رو، ما در صدد تبیین و تشریح مسائلی از قبیل نمونه های زیر هستیم:

- بینش توحیدی امام (ره) به مثابه سرچشمه همه برداشت های فلسفی و ایده آل های دینی او بود و این بود که واضح قوانین از نظر ایشان اراده مطلقه الهی است و تأثیر آن در تفکر سیاسی امام (ره).

- میزان تأثیر عرفان امام (ره) در مسأله ولایت مطلقه فقیه به عنوان یکی از اصلی ترین مسائل در تفکر سیاسی امام (ره) بنابراین تشریح و تبیین این قبیل مسائل و برداشتن گامی، هر چند کوتاه، در جهت روشن سازی مبانی نظری اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) مطمح نظر ما در این پژوهش است.

۲- پیشینه و تاریخچه موضوع تحقیق: (مطالعات و تحقیقاتی که در رابطه با این موضوع صورت گرفته و نتایج حاصل از آن):

درباره موضوع «مبانی نظری اندیشه امام خمینی(ره)» تاکنون اثر مستقلی تدوین نشده است. اما منابعی در زمینه اندیشه های سیاسی و فلسفی امام (ره) وجود دارد از جمله:

- «نقش امام خمینی(ره) در احیاء تفکر فلسفی» تألیف علی اکبر ضیائی. در این اثر، اندیشه های فلسفی امام خمینی(ره) با نگاه حکمت متعالیه صدرایی مورد بحث قرار گرفته بی آنکه به مبانی نظری و فلسفی اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) پرداخته شود.

- «تأملاتی در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره)» تألیف محمد صادق کوشکی. مولف این اثر از لابلای پیام ها و سخنرانی های امام (ره) که مبتنی بر سنت اسلامی و نبوی است به بحث پرداخته و از مبانی نظری اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) بطور مستقل بحثی به میان نیاورده است.

- «امام خمینی(ره) و احیای تفکر اسلامی» تألیف سید جواد ورعی. مولف این اثر از لابلای سخنرانی ها و دستورالعمل های امام (ره) نظریاتی درباره سیاست و حکومت از دیدگاه اسلام رامعرفی نموده بی آنکه به صورت بحثی مستقل به مبانی نظری اندیشه امام خمینی(ره) بپردازد.

- «مبانی تصمیم گیری سیاسی از دیدگاه امام خمینی(ره)» تألیف ابراهیم برزگر. در این اثر - چنانکه از نام آن پیداست - فقط به دلایل تصمیم گیری سیاسی امام خمینی (ره) و به خط امام در برابر خطوط دیگر توجه کرده است و از مبانی نظری اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) بحثی به میان نیاورده است.

۳- اهداف تحقیق:

۱- تبیین پایه های نظری اندیشه سیاسی امام خمینی(ره)؛

۲- شناخت مبانی عرفانی اندیشه سیاسی امام (ره)؛

۳- تبیین مبانی اندیشه سیاسی امام (ره) با توجه به تفکر جدید؛

۴- تبیین مبانی اندیشه های سیاسی امام (ره) با توجه به مبانی ولایی شیعه.

۴- اهمیت و ارزش تحقیق:

زنده بودن تفکر سیاسی امام خمینی(ره) و توجه روز افزون متفکران جهان به آن، نشان دهنده اهمیت رو به گسترش آن و غنای مبانی آن است. از این رو، بحث درباره مبانی نظری اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) از اهمیت والایی برخوردار است. به ویژه در شرایط کنونی که به ریشه ها و مبانی فلسفی و نظری اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) کمتر توجه می شود و در واقع جای این گونه بحث که بسیار ضروری است تقریباً خالی است.

۵- فرضیه ها یا سوال های تحقیق

- ۱- اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) بر کدام مبانی نظری استوار است؟
- ۲- عرفان تا چه میزان در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) مؤثر بوده است؟
- ۳- اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) تا چه میزان از ویژگی جهان شمولی برخوردار است؟

۶- روش تحقیق

در این پایان نامه روش تحقیق بررسی اسنادی و تاریخی کتاب ها و مجلات از کتابخانه های معتبر کشوری بر اساس فیش برداری گرفته است.

فصل اول

مبانی نظری اندیشه های سیاسی امام خمینی (ره)

مبانی نظری هر اندیشمندی بیان کننده نحوه نگرش آن اندیشمند به جهان و مسائل پیرامون آن است. به عبارت روشن تر شالوده فکری اندیشمند بسته به مبانی نظری او است. بنابراین « هر اندیشه ای که به حوزه معرفتی خاصی چون سیاست اقتصاد، اجتماعات، تعلیم و تربیت و جزء آن، به ویژه اندیشه ها و فلسفه های سیاسی و اجتماعی، بر یک شناخت و جهان بینی یا جهان نگری استوار است؛ بیانگر نوع برداشت، تفسیر و نوع تحلیلی ای است که یک انسان درباره هستی، جهان، انسان جامعه و تاریخ دارد.»^۱ (مطهری/۱۳۶۷/۱۳)

بنابراین اگر تنوعی در اندیشه های اندیشمندان مشاهده می گردد، (چه در حوزه نوشتاری، چه گفتاری) بر پایه تنوع جهان بینی هخا و شالوده هاست که این جهان بینی حکم پی و اساس و اندیشه ها در حکم بنا می باشد. بر این اساس طبیعی است که قبل از ورود به حوزه اندیشه ها و تنوع و تکثر آنها، ابتدا شالوده ها و بنای فکری مورد مذاقه قرار گرفته و سپس اندیشه ها بررسی شوند.

۱-۱- مبانی معرفت شناسی (شناخت شناسی)

از مهمترین مبانی اندیشه های هر اندیشمندی مبانی معرفت شناسی یا شناخت شناسی اوست که بیان کننده شیوه نگرش او به مسأله معرفت یا شناخت، ابزارها و روشهای کشف و وصول به آن و در خاتمه چگونگی نیل به حقیقت می باشد.

^۱ - مسأله شناخت

حال در این پژوهش تبیین مبانی معرفتی یا به اصطلاح، بحث و بررسی پیرامون مکتب معرفتی و نحله ای که امام خمینی (ره) وابسته به آن بود. از قبیل عقل گرایی، شهود گرایی و یا وحی گرایی مدنظر ماست. از این نظر مبانی معرفتی امام خمینی (ره) از سویی در قالب وحی گرایی و توجه به سنت معصومین (ع) و از سویی دیگر در قالب عقل گرایی یا برهان نگری قابل بررسی است. (جمشیدی / ۱۳۸۴ / ۱۲۰)

بحث بعدی در ریشه یابی مبانی نظری اندیشه های سیاسی حضرت امام خمینی (ره)، منابع و ابزار کسب شناخت و معرفت ایشان است که از این حیث متفکران به اصحاب عقل، اصحاب شهود (عرفا)، اصحاب وحی و کلام و اصحاب حس و تجربه تقسیم می شوند. از این منظر «امام خمینی (ره)» از طرفداران وحی، عقل و قلب است. «همان)

با این مقدمه اهمیت و جایگاه مبانی معرفتی اندیشه ها بر کسی پوشیده نیست. پس اندیشه های خاص معرفتی و علمی چون اندیشه های سیاسی، فلسفی، فقهی و.... بر پایه جهان بینی و نوع نگرش اندیشمند بر جهان و مسائل آن بوده و چون امام خمینی (ره) از طرفداران وحی، عقل و سنت است باید این مبحث بیشتر شکافته شود که منظور از وحی و عقل و سنت چیست؟

بطور کلی وحی یعنی آنچه از ناحیه خداوند تبارک و تعالی به قلب مقدس پیامبر اعظم (ص) و بر لسان پیامبر (ص) و در قالب قرآن درآمده است. و عقل نیز عبارت از قوه روحانیه ای است که به حسب ذات، مجرد و به حسب فطرت مایل به خیرات و داعی به عدل است. (خمینی / ۱۳۸۰ / ۲۱)

ایشان همچنانکه می دانیم فقیهی اصولی اند (نمازی فر / ۱۶ / ۱۳۸۳) و اصولیون «عقل» را به عنوان یکی از مبانی خود مورد تأکید قرار داده و برای آن اهمیت والایی قائل اند.

اما منظور از سنت و سیر، معصومین (ع) عبارت از توجه به افعال، رفتار و گفتار معصومین (ع) است که ایشان از هر نظر عاری از خطا و گناه بوده و مجریان خاص وحی الهی بوده اند. لذا امام خمینی (ره) ضمن توجه عمیق به این شق از معرفت، بسیاری از مبانی شناخت خود را بر پایه آن استوار نموده است.

پس رویکرد ما در این پژوهش، بررسی مبانی نظری اندیشه های سیاسی امام خمینی (ره) در سه حوزه اصلی سیره الهی (وحی)، سیره معصومین (ع) (سنت) و بنای عقلا (عقل) می باشد.

۱-۲- منابع شناخت یا معرفت

از منظر امام خمینی (ره) وحی، سنت قلب، عقل و تا حدودی تجربه (حس) انسان منابع معرفتی انسان بوده است. اما باید دانست که آنچه بیش از همه بر آراء ایشان تأثیرگذار بود حول سه محور اصلی قرار دارد: ۱- خدا محوری یا توحید (سیره الهی) ۲- سیره و سنت معصومین (ع) ۳- بناء عقلاء (عقل).

در نگرش ایشان عقل، ادراک کرده و قلب به مدرکات آن ایمان می آورد، پس بنابراین قلب و مدرکات قلبی پایه ای در عقل داشته و عقل اساس مدرکات قلبی می باشد اگر عقل در انسان کنار گذاشته شود ادراکات ایمانی و شهودی نیز بی پایه و اساس قلمداد شده تاجایی که این واقعیت حتی در اندیشه های امام خمینی (ره) نیز مشهود می باشد: «ایمان فقط این نیست که ما اعتقاد داشته باشیم که خدایی هست و پیغمبری هست و چه، نه، ایمان یک مسئله ای بالاتر از این است. این معانی را که انسان ادراک کرده به عقلش، باید با مجاهدات به قلبش برساند که قلبش آگاه شود، بیابد مطلب را.» (خمینی/۱۳۷۸/ج ۱۱/۳۸۲)

بنابراین ادراکات عقلی مقدم بر شهود قلبی و در واقع وسیله ادراک است. اما با توجه به جایگاهی که عقل از منظر امام (ره) داشته، عجز و ناتوانی آن در پاره ای دیگر از امور برای ایشان مشهود می باشد. به عنوان مثال، به عدم امکان شناخت چیستی رابطه هستی با حق اشاره می کند و عقل انسان را از درک ماورای طبیعت و بسیاری از امور دیگر عاجز می داند:

ای پیر یا بحق من پیری کن	حالم ده و دیوانه زنجیری کن
از دانش و عقل یار را نتوان یافت	از جهل در این راه مددگیری کن
	(خمینی/۱۳۷۶/۲۳۳) (k)

و یا اینکه ایشان در جایی دیگر فلسفه را که همان تعقل و اندیشیدن است در شناخت حق عاجز می داند و می -

فرماید:

فاطی که فنون فلسفه می خواند	از فلسفه فا و لام و سین می داند
امید من آن است که با نور خدا	خود را ز حجاب فلسفه برهاند
	(همان/۲۴۸)

ما نمی توانیم اشیاء را «کماهی» بشناسیم، معنی اش این نیست که ما ماهیات اشیاء را نمی توانیم بشناسیم، آن امر سهلی است، کلیاتش را فلسفه می گوید، بعضی مراتبش را هم اهل عرفان بیان می کنند. لیکن رسیدن به اینکه این چه ربطی است، اینها مسائلی است که دست ما از آن تقریباً کوتاه است.» (همان/۱۳۷۸/ج ۱۹/۲۲۶-۲۲۵)

۱-۳- عقل منبع یا ابزار

عقل علاوه بر اینکه خود منبع شناخت و معرفت بوده ولی به مثابه ابزار به عنوان برهان و استدلال در تبیین و شناخت حقایق در نظر گرفته می شود. «بنابراین امام خمینی (ره) بر ابزار عقل در کنار ابزار فقه و اجتهاد و نیز همراه با آن و مکمل آن تأکید دارد.» (جمشیدی/۱۳۸۴/۱۲۷)

به عبارت دیگر عقل منبع تشخیص حقایق در حوزه فقه نیز محسوب می شود، چرا که یکی از ادله فقهی است همان گونه که ابزار استنباط احکام از سایر ادله می باشد. بنابراین عقل در حد توان خود می تواند به کشف مصالح و مفاسد امور دست یازد. شهید مطهری (ره) در این مورد می گویند:

«حتی درجایی حکمی را وضع کند که وضعش به معنی کشف است، یعنی ممکن است در یک مورد بخصوص، اصلاً از اسلام دستوری به ما نرسیده باشد، ولی عقل چون به سیستم قانونگذاری اسلام آشناست می - داند که نظر اسلام در اینجا این است، فوراً حکم را کشف می کند.» (مطهری/۱۳۷۰/ج ۲/۲۹-۲۸)

بنابراین عقل که به عنوان یکی از منابع چهارگانه دین مطرح شده است، ابزار استنباط مستقیم حکم شرعی است و «علاوه بر استنباط مستقیم حکم شرعی در ناحیه مستقلات عقلیه و جدای از کمک در ناحیه غیر مستقلات عقلیه، در اصل جریان اجتهاد نقش اصلی و محوری دارد، زیرا تطبیق اصول بر فروع و راحل مختلط استنباط و استدلال شرعی نیز بر پایه عقل استوار است.» (جمشیدی/۱۳۸۴/۱۲۷)

در تاریخ فکر و اندیشه نحله ها و مکاتب مختلفی وجود داشته و اندیشمندان متعددی از آن مکاتب و نحله ها سر بر آورده اند. بعضی از این اندیشمندان پیرو مکتب تجربه گرایی، بعضی دیگر پیرو مکتب عقل گرایی، بعضی دیگر شهودگرا بوده اند. در حالیکه این عده از افراد سخت به مکتب تک بعدی خود می اندیشیدند حکیمان و اندیشمندان مسلمان شناخت و معرفت چند بعدی را توصیه می کردند.

امام خمینی (ره) با تکیه بر مبنای فلسفی و اصولی خویش قائل به شناخت چند لایه ای و چند بعدی بود و برای همه شناختهای حسی، عقلی، شهودی و وحیانی جایگاه و ارزش متناسب با خود را قائل بودند. ایشان در این زمینه می فرمایند: «هر علمی را که یافته است، ادراک کرده و خوانده. همه کمالات را منحصر به آن می داند. فقیه خیال می کند غیر فقه چیز دیگری نیست در عالم، عارف هم خیال می کند غیر عرفان چیزی نیست، فیلسوف هم خیال

می کند غیر فلسفه... این حجاب بزرگی است برای همه، حجابهای زیادی هست که غلیظ تر از همه همین حجاب علم است.» (خمینی/۱۳۷۶/۱۴۲) (A)

ایشان می فرمایند:

تا تکیه گهت عصای برهان باشد
تا دید گهت کتاب عرفان باشد
درهجر جمال دوست تا آخر عمر
قلب تو دگرگون و پریشان باشد

(همان/۲۰۷)

در جایی ایشان علت اصلی این تک نگرینها و تک بعدیها را عدم تهذیب قلوب و وارد شدن علم و دانش به قلب ناپاک و غیرمذهب می دانند. در نتیجه جامعه و فرد به جای اینکه پیشرفت نموده و به سمت فلاح و رستگاری پیش رود، روز به روز عقب افتاده تر و عقیم تر خواهد شد. علم و دانش بدون تهذیب نفس کانه شمشیری است برهنه در دست فردی دیوانه، اگر این شمشیر در غلاف تهذیب نفس باشد کنترل بر آن سهل تر و استفاده از آن نیز در جهت صلاح و رستگاری فرد و جامعه خواهد بود. ورود دانش در قلوبی که تزکیه نشده اند، مصایب فرد و جامعه را از دیداد بخشیده و نه تنها نتیجه مثبت نمی دهد بلکه برای آنها و به ویژه جامعه زیان بارتر است. لذا امام (ره) می فرمایند: «وقتی علم در یک قلب غیر مذهب وارد بشود، انسان را به عقب می برد... بعضیها از مسائل فلسفی، با اینکه فلسفه یک علم رسمی است، چنان رم می کنند که خیال می کنند یک ماری است. فیلسوف هم از عرفان آن طور رم می کند، عارف هم همین طور است، [تا] بالاتر...» (همان/۱۳۷۶/۱۴۳-۱۴۲) (A)

بطور کلی از نگاه امام خمینی (ره) علوم و معارف اعم از تجربی، عقلی، فقهی، کلامی و... هیچ کدام هدف نبوده بلکه وسیله اند برای شناخت حق و حقیقت. اگر قلبی ناپاک و غیرمذهب باشد آنگاه وسیله را تبدیل به هدف نموده و علوم را که وسیله برای اکتساب حقایق می باشند در تعارض با یکدیگر قرار می دهند. لذا از منظر امام خمینی (ره) علوم هیچ گاه در تعارض با یکدیگر قرار ندارند بلکه اینها وسیله اند برای رسیدن به مقصد و اگر علمی این خاصیت خویش را از دست دهد، دیگر علم نیست، دیگر نور و روشنی و به تعبیر بهتر مشعلی فروزان جهت روشنایی راه نیست بلکه جهالت است و ظلمت و حتی اگر علم، علم توحید باشد و خاصیت وسیله و ابزار بدون جهت نیل به مقصد را از دست دهد، آن نیز حجاب است و ظلمت. این است که علم توحید نیز در چنین شرایطی به حجاب و غل و بند تبدیل شده مانع درک حقیقت و نیل به مبدأ کمال می گردد.

امام خمینی (ره) در تفسیر سوره حمد در این زمینه می فرمایند: «علوم شرعی، علوم عقلیه... اینها وسیله اند برای رسیدن به مقصد و هر کدام ما را بازدارند از آن مقصد، دیگر علم نیست، این حجاب است ظلمت است،

حجاب ظلمانی است... گاهی علم توحید هم حجاب است، علم توحید است، برهان اقامه می‌کند بر وجود حق تعالی، لکن محجوب است از او.» (همان/۱۴۵-۱۴۴)

بنابراین هر علمی از نگاه امام خمینی (ره) محدود بوده و حد و مرز خاصی داشته، یعنی ایشان همان گونه که از فلسفه زدگی اجتناب داشتند از عرفان زدگی یا فقه زدگی برحذر بودند و جایگاه هر مسأله ای را در معرفت خاص آن می‌دانست. (جمشیدی/۱۳۸۴/۱۲۹)

وی در مورد اهمیت و جایگاه عقل، اثبات صانع، توحید، معاد و نبوت را حق مطلق عقل از مختصات آن می‌داند و اگر کسی در این مورد شک نموده و اثبات این امور را صرفاً با دلایل نقلی اقامه نماید از غریب و از مصایب دانسته و می‌فرماید:

«واینکه در بعضی روایات شریفه است که «لَیسَ شَیْءٌ أَبْعَدَ مِنْ عُقُولِ الرِّجَالِ مِنْ تَفْسِیرِ الْقُرْآنِ» (مجلسی/بی- تا/ج ۹۵/۸۹) و همچنین روایات شریفه که می‌فرماید: «دینُ الله لا یصاب بالعقول» (همان/ج ۳۰۳/۲) شهادت دهد بر اینکه مقصود از «دین الله» احکام تعبدیه دین است و الالباب اثبات صانع و توحید و تقدیس و اثبات معاد و نبوت بلکه مطلق معارف، حق طلق عقول و از مختصات آن است و اگر در احکام بعضی محدثین عالی مقام وارد شده است که در اثبات توحید اعتماد بر دلیل نقلی است، از غریب امور بلکه مصایبی است که باید به خدای تعالی آن پناه برد.....» (خمینی/بی تا/۲۰۱-۲۰۰) (A)

پس بطور کلی معارف چهارگانه حسی و تجربی، عقلی یا برهانی، شهودی یا عرفانی و وحیانی در نگاه امام خمینی (ره) دارای مراتب و مراحل است. و دانستیم که اهمّ این معارف به ترتیب عبارتند از: معارف وحیانی، معارف روایی (سنت) و معارف عقلانی. مرتبه هر کدام از این معارف در ایجاد یقین و نزدیک ساختن انسان به مبدا و کمال و حقیقت تعیین می‌گردند. «بنابراین از این نظر امام خمینی (ره) قائل به مراتب و مراحل معرفت و شناخت بوده و این مراحل عبارتند از:

۱) معارف حسی و تجربی (۲) معارف عقلی و استدلالی (۳) معارف شهودی و کشفی (۴) معارف وحیانی. اما از نگاه ایشان، این معارف همگی دارای حقیقت واحدی هستند و از این نظر «امام خمینی (ره) در حکمت تابع دیدگاهی فارابی است که قائل به وحدت حقیقت و لذا وحدت دین، فلسفه و معارف بود.» (جمشیدی/۱۳۸۴/۱۳۰)

این است که می‌فرماید: «ادعیه و قرآن و اینها همه با هم اند. این عرفا و شعرا عارف مسلک و فلاسفه هم، همه یک مطلب می‌گویند، مطالب مختلف نیست، تعبیرات مختلف است.» (خمینی/۱۳۷۶/۱۹۳-۱۹۲) (A)

بنابراین امام خمینی (ره) به توانایی و قدرت عقل برای معرفت و شناخت اذعان داشته ولی آن را کامل ندانسته و به تعبیر بهتر تنها منبع و تنها شیوه کشف حقیقت نبوده؛ بلکه جایگاهی خاص برای آن قائل می‌باشند. از نگاه

امام(ره)، عقل آدمی برجسته ترین خصلتش، وسیله ادراک معقولات و ابزار کشف حقایق و در نتیجه نیل آدمی به حقایق امور می باشد. ایشان در تفسیر سوره حمد به همین مطلب اشاره فرموده و فلسفه را وسیله دانسته و هنر فلاسفه را همین قدر می دانند.

«فلسفه وسیله است، خودش مطلوب نیست، وسیله است برای اینکه مسائل را، معارف را با برهان به عقلمندان برسانید، هنرش همین قدر است.» پای استدلالیان چوبین بود^۱ (مولوی/۱۳۷۳/ج ۱/۱۳۰) مقصود همین است که چوب است، پای چوبی است.» (خمینی/۱۳۷۶/۱۱۲)(A)

بنابراین جایگاه عقل در نگاه امام(ره) جایگاهی بس رفیع و والا است که نه تنها جنبه ابزار برای درک حقایق را داشته بلکه خود منبع معرفت نیز می باشد. بدین معنا که حتی در حوزه فقه و احکام شرع، عقل از منابع وادله ای است که توانایی دریافت و کشف احکام را مستقل از سایر منابع داشته و با این وصف عقل خاصیتی ذو وجهی پیدا می کند.

امام خمینی(ره) انسان را دارای ویژگی می داند که از آن به فطرت تعبیر می کند و مهمترین ویژگی فطری او را عقل، اختیار، کمال طلبی و تنفر از نقص می داند امام(ره) در این زمینه در تعریف «عقل» می فرماید:

«عقل... قوه روحانیه ای است که به حسب ذات، مجرد و به حسب فطرت مایل به خیرات و کمالات و داعی به عدل و احسان است.» (خمینی/۱۳۷۶/۲۱)(E)

پس همچنانکه مشاهده می گردد قوه عقل، ذاتاً مجرد بوده و فطرتاً مایل به کمالات و خیرات الهی است. ایشان آنچه را که عقل بها می دهند که آن را همپایه شرع و مکمل آن می دانند تا جایی که سعادت و شقاوت نفوس منوط بر تطبیق ملکات نفس با آن است.

«انبیاء(ع) آمدند... نفس انسانی را تحت قانون عقل و شرع در آوردند... پس هر نفسی که با قوانین الهیه و موازین عقلیه ملکات خود را تطبیق کرد، سعید است و از اهل نجات می باشد.» (همان/۱۷-۱۶)(D)

¹ - اشاره دارد به شعری از حضرت مولانا:

«پای استدلالیان چوبین بود پای چوبین سخت بی تمکین بود»

فصل دوم

حکومت و مبانی نظری آن از نگاه امام خمینی (ره)

حکومت یک ضرورت اساسی در جامعه بشر است که مقاصد مدنی و سیاسی بشر جز از طریق آن فراهم نمی آید و قالب عقلای عالم بر این نیاز عقلانی صحه می گذارند. دین اسلام نیز این ضرورت منطقی را مورد تأیید قرار داده است. بنابراین با توجه به اینکه تحقق حاکمیت قانون یا حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش در یک جامعه نیازمند سیستم اجرایی و عملی است که هم مورد تأیید شرع است، هم عقل لذا این مبحث را با این دو دسته از دلایل (عقلی و نقلی) مورد بررسی قرار می دهیم.

۲-۱- دلایل عقلانی

حکومت یک نیاز اساسی و یک ضرورت در زندگی بشر محسوب می شود و غالب عقلانی بشر بر این امر صحه می گذارند. امام خمینی (ره) نیز به عنوان یک اندیشمند همین امر را مورد تأیید و تأکید قرار می دهند.

از نگاه اندیشمندان مسلمان حکومت اسلامی دارای دو قالب اساسی و کلی است:

۱- حکومت اسلامی در قالب ولایت اهل عصمت، یعنی پیشوایان معصوم (ع) در عصر حضور پیشوای معصوم (ع).

۲- حکومت اسلامی در قالب ولایت اهل علم و فقهای عادل در عصر غیبت پیشوای معصوم (ع).

امام (ره) نیز با نفی هرگونه اشکال گوناگون حکومت، قالب فوق را قبول داشته و حکومت و ولایت معصوم (ع) را در عصر حضور و ولایت فقیه را در عصر غیبت معصوم (ع) بهترین شکل حکومت می دانند.

مام خمینی(ره) در مورد ضرورت حکومت بر جوامع بشری به دو دسته از دلایل استناد می کند:

۱- دلایل عقلی:

مهمترین این دلایل از نگاه ایشان عبارتند از:

الف) ضرورت اجرای قانون در جامعه؛

بدین معنا که جامعه برای جلوگیری از هرج و مرج و آشوب و ایجاد ثبات و آرامش برای افراد جامعه، نیاز به وجود اهرمی قدرتمند و لازم الاجرا به نام قانون داشته و این قانون طبیعتاً باید پشتوانه اجرایی قوی و قدرتمندی به نام حکومت داشته باشد. بدون وجود قانون و اهرم اجرایی حکومت جامعه متشنج و از هم گسیخته خواهد شد. امام در کتاب «ولایت فقیه» می فرماید:

«در همه کشورهای عالم و همیشه این طور است که قانونگذاری به تنهایی فایده ندارد. قانونگذاری به تنهایی سعادت بشر را تأمین نمی کند. پس از تشریح قانون بایستی قوه مجریه ای بوجود آید.» (خمینی/۱۳۷۶/۲۶-

(B)(۲۵)

ب) نفی ظلم و ستم و دفاع از مظلومان عالم؛

از جمله دلایل وجود حکومت در جامعه، نفی ظلم و ستم و تحقق عدل و داد و دفاع و صیانت از محرومان، مظلومان و مستضعفان جامعه است. پس احقاق حق مظلوم و نفی هرگونه ظلم و تعدی جز با حکومت عملی نخواهد شد. در اسلام هم ظلم و هم انظلام ممنوع شده است. نه کسی حق دارد ظلم کند و نه زیر بار ظلم رود. «دستور اسلام این است که نه ظلم کنید نه زیر بار ظلم روید. انظلام یعنی زیر بار ظلم رفتن از ظلم کمتر نیست... هر دویش در اسلام ممنوع است.» (همان/۱۳۷۸/ج ۱۱/۲۵۶-۲۵۵)

ج) حفظ نظام جامعه و جلوگیری از ناامنی و هرج و مرج؛

یکی از مهمترین وظایف حکومت و نظام سیاسی در هر جامعه ای برقراری امنیت و نظم اجتماعی و عمومی است. بی شک حفظ نظم و برقراری امنیت اجتماعی و استقرار آرامش در جامعه نیازمند تحقق حکومت در جامعه است.

هرگونه بی نظمی و اختلال در امنیت اجتماعی موجب پریشانی امور در نتیجه از هم گسیختگی رشته آرامش افراد جامعه خواهد بود، به همین دلیل است که امام(ره) است حفظ نظام جامعه را از واجبات مورد تأکید شرایع الهی دانسته و بی نظمی و پریشانی امور مسلمانان را امری نکوهیده و ناپسند قلمدار می نمایند. (همان/۱۳۷۸/ج ۲/۶۱۹)

امام خمینی(ره) تأمین امنیت مرزها و حفظ استقلال جامعه را نیز عقلاً و شرعاً واجب دانسته و تحقق این امر را

از طریق وجود حکومتی قدرتمند می دانند و می فرمایند: